



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

مروری بر کتاب دغدغه های فرهنگی

شناسنامه مطلب	
m-f-25	کد مطلب
مهارتی/فرهنگی/مباحث فرهنگی/مبانی و اصول/فرهنگ از نگاه امامین انقلاب	رده
مطالبات، فرهنگی، امام خامنه ای، دغدغه های فرهنگی	برچسب
گزیده ای از دیدگاه های امام خامنه ای در باب فرهنگ و کار فرهنگی	توضیحات

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمو

nomov.ir

هدایت يك انسان، ارزش و قیمت هدایت همه بشریت را دارد

اگر کسی خیال کند که جبهه دشمن با هم تشکل دارند و آدم‌های پیگیری هستند، به شدت در اشتباه است. شاید معدودی باشند که آن جماعت را به قدر من شناخته باشند. آن جماعت را من میشناسم. آدم‌هایی بی عرضه، هستند و خصوصیتشان اساساً ضعف و ترس است.

دعواهای خطی

یک عامل دیگر از عوامل هضم جبهه ی خودی و سایش آن، کشیده شدن پای عناصر این جبهه به دعواهای خطی است که در برهه ای از زمان، در این کشور واقعاً فاجعه آفرید. ناگهان بین سیاسیون، نمایندگان مجلس و برخی دیگر از مسئولین، دعواهایی بروز کرد که اصل آن دعواها موّجه نبود. هر دو خط، بلاشک، در حدی جرم داشتند. هردو خط، هم آدم‌های بسیار خوب داشتند، هم آدم‌های ناباب داشتند، هم آدم‌های متوسط داشتند

دنیای فریبنده

عامل دیگر که امتحان بسیار بزرگی بر سر راه همه است، عامل دنیا و جلوه‌های فریبنده ی آن است. در جبهه ی خودی، برخورداری مادی کم و امکانات، ناچیز بود. جلوه‌های دنیا پر جاذبه است و چشم‌ها و دل‌ها را می‌فریبید؛ چنان که بعضی از کسان را فریفت. ماهی وقتی به طمع خوردن کرم، قلاب را فرو داد، دیگر کار تمام شده است

نهج البلاغه

بخش‌های مهم نهج البلاغه بخش زهد و بی‌رغبتی به دنیا و بی‌اعتنائی به مظاهر فریبنده و جلوه گر دنیاست. این یکی از مهم‌ترین بخش‌های نهج البلاغه است، چه در کلمات قصار، چه در خطبه‌ها و چه در مکاتیب و نامه‌ها، بخش‌های زیادی مربوط میشود به بی‌اعتنائی و زهد نسبت به دنیا. سید رضی می‌گوید: وقتی که علی علیه السلام درباره ی زهد در دنیا و بی‌رغبتی و بی‌اعتنائی به این تجملات و زیورها و غرورها و فریب‌ها و انگیزه‌ها و جاذبه‌های دنیا حرف می‌زند جوری حرف می‌زند که شما تصور میکنید که گوینده ی این کلمات جز زهد و جز بی‌رغبتی به دنیا هیچ کاری و شیوه ای و منشی در زندگی ندارد

امیرالمومنین که درباره ی دنیا و ترک دنیا و زهد و این حرف‌ها بحث می‌فرماید، خود او جزء پرکارترین و پرتحرک‌ترین و درمیدان‌ترین افراد است. پس زهد به معنای ترک فعالیت و بریدن از جامعه و مردم نیست. حالا پس به چه معناست؟ به معنای غرق نشدن در شهوت‌ها و هوس‌های دنیا، به معنای جدی نگرفتن لذت‌های دنیوی است، به

معنای قربانی نکردن هدف‌های انقلابی و اصیل و سازنده‌ی اسلام در پیش پای قدرت‌طلبیها و انگیزه‌ها و خودخواهیها و دنیاطلبیها.

تکالب بر دنیا

امروز آن چیزی هم که باید خیلی از آن ترسید، «تکالب بر دنیا» است، تکالب بر حطام دنیاست. «تکالب» تعبیر خیلی پرمغزی است. تکالب یعنی مثل دو سگ بر سر یک جیفه به جان هم افتادن! این تکالب است. سعی کنیم هر چه ممکن است این جیفه‌ها از محیط زندگی ما دور شود، کنار برود. بالاخره جوانان دیروز که مبارزه میکردند و فعال بودند، خوب بودند، با اخلاص و با نشاط، پابرنه در میدان بودند. حالا ما به افراد مسن، پیرمرد و با محاسن سفید تبدیل و وارد نسل دیگری شده ایم. حالا فرزندان ما به میدان آمده اند. باید سعی کنیم آنها مثل دیروز ما باشند. باید سعی کنیم آنها هم به دنیا با این چشم نگاه کنند.

کدام دنیا!!!

«دنیا» هم که می‌گوییم، فقط پول و خانه و خودرو شخصی نیست. چیزهای دیگر هم هست. اسم در کردن، تعریف شنیدن، ستایش شنیدن، تمتعات ناروا و نادرست جنسی و همه امکاناتی که نفس انسان آنها را می‌خواهد؛ دنیا و جلوه‌های آن است. چنین وسوسه‌هایی هم در عده‌ای پدید آمد. البته عده زیادی واقعا ایستادند و مردانه مقاومت کردند. ولی بعضی از افراد هم به ندرت در مقابل این وسوسه‌ها و جلوه‌های دنیوی، پایشان سست شد

سایش شوخی ندارد

قدرت مقابله با سایش را در خودتان ایجاد کنید. سایش شوخی ندارد؛ انسان ساییده میشود! همان چکش یا پتکی که شما روی سر آهن می‌کوبید و آنرا به شکل‌های مختلف در می‌آورید، بعد از مدتی که نگاه کنید، می‌بینید ته آن ساییده شده است. یعنی با این نیروی فعال قدرتمند، بالاخره تأثیر گرفته؛ یعنی آن، روی این اثر گذاشته است. به فکر این باشید. مقوله‌ای که شما در آن واردید، از مقوله‌های خطرناک است.

ضعف و ترس

و اما چند جمله هم درباره‌ی جبهه‌ی دشمن، یعنی همان جبهه‌ی مقابل بگویم. اگر کسی خیال کند که آنها با هم تشکل دارند و آدم‌های پیگیری هستند، به شدت در اشتباه است. شاید در جمع شما معدودی باشند که آن جماعت را

به قدر من شناخته باشند. آن جماعت را من میشناسم. آدم‌هایی بی‌عرضه، بی‌پیگیری، بی‌اراده و اهل نقد و اهل دنیا هستند؛ دنیای در مقابل آخرت. خصوصیت دنیا، نقد بودن است دیگر! و خصوصیتشان اساساً ضعف و ترس است.

تاکتیک

تا عنصر ضعیفی پیدا شود، سعی در جذب و کشاندن او به طرف خودشان دارند. اما تا یکی از عناصر ما را اهل استقامت مییابند، به طور هماهنگ شروع به کوبیدن وی میکنند. تا یک نقطه را نقطه‌ی خطرناکی برای خودشان، یا نقطه‌ی امیدی برای آینده‌ی جمهوری اسلامی میدانند، برای تصرف آن لشکرکشی میکنند. جبهه‌ی دشمن به چنین کارهایی مشغول است.

از تهاجم فرهنگی نگرانم

خدای متعال نگذاشته که بعضی بفهمند «و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور» عده‌ای هم حاضر نیستند که به این معنا اعتراف کنند. اما بنده میبینم و این تهاجم را در مقابل چشم مشاهده میکنم. وقتی هم تبیین میشود، هرکس میشوند، میبیند که درست است. بعضی هم بدون اینکه ما تبیین کنیم، خودشان مثل ما مشاهده میکنند. اصل قضیه که بنده از آن نگرانم، همین تهاجم فرهنگی است.

اولین دشمن ما "خواب" است

از امیرالمؤمنین پیاموریم که فرمود «والله لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم»، من مثل آن حیوان خواب‌آلوده نیستم، مثل آن حیوان سنگین خواب‌نیستم که با لالایی دشمن که به قصد شکار من و صید من انجام میگیرد به خواب بروم.

نباید به خواب بروید، فریب خوردن هم امروز جرم است، دشمن را نشناختن و دوستانه و صادقانه و مخلصانه کاری را کردن که دشمن میکند هم جرم است. اولین دشمنی که بر ما میتازد، خواب و خواب‌آلودگی است

به بعضی التماس می‌کنیم

کسیکه زبان باز و دل روشن و مغز فعال دارد، میتواند مقابل تهاجم فرهنگی را بگیرد. با چه؟ با سنگر فرهنگی، با حصار فرهنگی و با سلاح دوربرد فرهنگی. ابزار فرهنگی لازم است. این است که ما به کسانی که اهل کار فرهنگی

اند دائم می‌گوییم، به بعضی تکرار می‌کنیم، به بعضی التماس می‌کنیم، بعضی رادراینجا جمع می‌کنیم و به بعضی پیغام می‌دهیم که آقا! کار فرهنگی بکنید. جواب کار فرهنگی باطل، کار فرهنگی حق است

تهاجم یا تبادل فرهنگی

این از آن جاهایی است که نقطه‌ی حمله‌ی دشمن است. این قبیل کارها که دشمن می‌کند تهاجم اوست این نکته را عرض کنیم که تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی نیاز نیست از اینکه در همه‌ی زمینه‌ها از جمله در زمینه‌ی مسائل فرهنگی آن مجموعه مسائلی که به آنها نام فرهنگ داده می‌شود از ملت‌های دیگر بیاموزد همیشه تاریخ نیز همین بوده است هدف تبادل فرهنگی، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است اما هدف تهاجم فرهنگی، ریشه کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است.

در تعبیر اول از تهاجم فرهنگی، دشمن بعد از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی به ابزارهای فرهنگی پناه آورده است. در تعبیر دوم از تهاجم فرهنگی، دشمن فرهنگ انقلابی حاکم بر ذهنیت جامعه را مورد هجوم قرار داده است. آنها به پایه‌های فرهنگی جامعه حمله می‌کنند تا آنها را در دل‌ها سست کنند. روحیه‌ی جهاد را بکوبد و سعی کند که مجاهد فی سبیل الله را از جهاد گذشته‌ی خود پشیمان کند.

تهاجم فرهنگی مشخصا از دوران رضا خان شروع شد.

با انقلاب اسلامی، تهاجم فرهنگی متوقف شد و مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خلیقات اسلامی که در خمیرمایه مردم ما بود، زنده شد. بعد از جنگ، جبهه جدید تهاجم فرهنگی به شکل جدی مشغول کار شد. دشمنان فهمیدند باید عقبه ما که عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا و علاقه به اسلام را بمباران کنند. یکی از کارهای دشمن این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلاب را تحقیر و مجموعه‌های مومن را منزوی کند. در مقابل تهاجم دشمن باید موضعی هجومی داشت و نه دفاعی. عمده نظر اینها سست کردن ایمانها، کدر کردن امیدها، متشتت کردن جبهه‌ها و جذب کردن سرمایه‌هاست.

به هدف نخواهید رسید

می‌گویند راه مستقیم جاده‌ای است که در قدم به قدم آن، پنجره‌ها و درها از دو طرف باز است، و انسان را همین طور تشویق می‌کنند به اینکه از این طرف برویم، از آن طرف برویم. اما در مقابل این درها و پنجره‌ها، حجاب و پرده‌ی حرمت الله قرار داده شده؛ که می‌گویند این حرمت الهی را ندرید و نروید، و لا از صراط مستقیم دور خواهید شد.

البته اگر پرده را پس زدید و به آن طرف رفتید، رفته اید، اما به هدف نخواهید رسید. هدف فقط از این جاده ی مستقیم پیموده خواهد شد، و لا غیر.

توقع انقلاب از جبهه فرهنگی

آرایش نیروهای فرهنگی بایستی يك آرایش دینی، اسلامی و انقلابی باشد.

محقق، هنرمند و نویسنده باید در فضای اسلامی بیندیشد. چاره کار با قرآن انس گرفتن است، نهج البلاغه تالی قرآن است و بعد انس با صحیفه سجادیه.

هنر ایرانی از اول تا آخر اسلامی است. نباید به سمت ارزشهای بیگانه با اسلام برویم. توقع انقلاب از هنر و هنرمند مبتنی بر نگاه زیبا شناختی در زمینه هنر است.

توقع انقلاب از هنر این است که از زیبایی دوران دفاع مقدس و انقلاب، بی تفاوت نگذرد.

هنر انقلابی این است که از تاریخ پر رنج و محنت ملت ایران بی تفاوت نگذرد. هنرمند باید تاریخ را ببیند و درک کند و آن را با زبان هنر تبیین کند. بعد از انقلاب کارهای هنری با ارزشی انجام شد ولی انتظار همیشه بوده وهست. نمی شود انسان به ارزشها معتقد باشد اما در آثار هنری نسبت به آنها بی تفاوت باشد.

هر فرهنگی که در قالب هنر ریخته نشود شانس ماندن، نفوذ و گسترش را ندارد.

برای اینکه سایش پیدا نکنید از عوامل درونی خودتان شروع کنید. عواملی که در جمع شما هست. از جمله کارهایی که باید بکنید یکی این است که مخاطب خودتان را خلق کنید. اگر به فکر این باشید که مخاطب جبهه مقابل را تصرف کنید ممکن است همین فکر، شما را وسوسه کند که به تقلید کار جبهه مقابل پردازید. ما باید مخاطب خودمان را خلق کنیم. یعنی همانی که مطابق فکر و ایمان و عقیده ماست.

چرا باید به تقلید از روش دشمن، از وضع اسلامی و الهی خودمان انتقاد کنیم. چرا با نیش زدن، آب به آسیاب دشمن بریزیم. چرا از چهره های ضد انقلاب و مخالف نظام تجلیل کنیم.

در نگرش به عرصه ی فرهنگی کشور، باید به تربیت نیروی انسانی توجه کنیم. برای یک کشور، نیروی انسانی همه چیز است. ما اگر نیروی انسانی نداشته باشیم، هیچ چیزی نداریم. چند سال قبل از این، روی بعضی از کشورهایی که سال ها پیش از ما انقلاب کردند و توفیق هایی هم در عرصه های اقتصادی و صنعتی و فنی و امثال اینها به دست آوردند، مطالعه ای میکردم. دیدم اینها در اوایل انقلابشان، بیشترین تکیه و برنامه ریزی را روی تربیت نیروی انسانی گذاشته اند.

فتح الفتوح

تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، همّتشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه ای فرمودند «فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است»، یک حرف نبود که همین طور بر قلم امام جاری شده باشد. این یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد.

واقعاً فتح الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح

هدایت يك انسان، ارزش و قیمت هدایت همه بشریت را دارد.

حکومت اسلامی نمی تواند نسبت به بازار عرضه فرهنگ و عقیده و اخلاق بی تفاوت باشد.

حرف حق را با شیوه های نو، با زبان های جدید و با استدلال های تازه و آرایش خوب بیان کنید، در مفاهیم قرآنی حرف جدید بسیار است.

فریضه ی تشکیلات

ما اعتقادمان این است که بهترین راه و برترین حربه ای که میتواند این راه ها را باز کند و هدایت الهی و هدایت انقلابی را در ذهن ها و جان ها بنشاند و به میوه بیاورد، یک تشکیلات است. ما عقیده داریم که اگر چنان چه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند و اینها متشکل نباشند، متجمع نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهد داد

اخلاق تشکیلاتی

اخلاق تشکیلاتی، یعنی اخلاق اسلامی؛ اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم، یعنی چگونگی برخورد دو برادر، دو همفکر دو هم آهنگ، دو هم جهت اخلاق باعث می شود که مجموعه مقررات و تکالیف اسلامی بدون سائیدگی انجام بگیرد. با اخلاق بد در خودمان دائماً مبارزه کنیم و اخلاق نیک را بوجود آورده و رشد بدهیم.

آفات اخلاق تشکیلاتی

آفت عُجب

یکی از اخلاق مذموم و پلید «عُجب» است. عُجب یعنی چه؟ یعنی خودشگفتی؛ این یک خصوصیت است. یک اخلاق است؛ بنده ده ساعت اینجا کار کنم مستمراً، اما از خودم ممنون باشم، این را می گویند عُجب. عُجب چه عیب دارد ما از خودمان ممنون باشیم، از خودمان راضی باشیم که داریم کار می کنیم؟ این خیلی معلوم است؛ عیبش این است که تا خیلی از خودمان متشکر شدیم، متوقع ایم همه از ما متشکر باشند. ما به این خوبی، به این منظمی، اینجور خوب کار می کنیم، زیاد کار می کنیم، باید همه قدر ما را بدانند دیگر! همین خودشگفتی یکی از بدترین خصلت هاست و این را علاج کنید با مقایسه خودتان با کسانی که بهتر و بیشتر و مؤثرتر از شما کار می کنند. علاج کنید با بزرگ کردن عیوب کارتان در ذهن خودتان و به کیفیتی این حالت را در خودتان بشکنید.

آفت کبر

آفت دیگر کبر است: یعنی خود را بزرگ دیدن که خدا تکبر و خودبزرگ بینی را در چشم پیامبران زشت کرده است.

آفت دل خوش کردن

آفت دیگر آفت دل خوش کردن است. یعنی فکر کنیم که حالا ما مشغول کاریم، دیگر بیشتر از این چه کار کنیم. این يك آفت بزرگ است و بایستی طرز فکر مماس تر، علمی تر، قابل تطبیق تر، و بیشتر متناسب با نیازها باشد.

آفت عجله

عجله در کارها همیشه کار را خراب میکند، احساس اینکه دیر شده و شتاب و سرعت باید داشت دست و پاگیر است. یک لحظه تأنی تحقیقاً روا نیست. اما یک قدم با عجله هم یقیناً موجب سرنگون شدن و ناکام شدن است. عجله نباید کرد. وضع خودمان را با آن وضع ایدئولوژی رقیب مقایسه نکنیم.

اتقان درکار

اگر کار را تمام کردید؛ کار را کرده اید و الا اگر نهصد و نود و نه جزء کار را تمام کردید، اما همان یک جزء آخرش را نکردید، کار انجام نشده است. اتقان یعنی این. یعنی نگذارید در هیچ گوشه ی کار اشکال بوجود آید. هرچه میتوانید

کار را محکم انجام دهید؛ چون استحکام ضرری ندارد. اگر قدری هم تأخیر خواهد افتاد، بیافند، اشکالی ندارد و عجله ای نیست. استحکام، یک مقدار خرج بیشتری خواهد داشت؛ داشته باشد

طلبگی کار کنیم

من هم به وجود تگناها واقفم و نمیگویم نیست؛ وقتی که انسان میبیند که مشکل زیاد است، باید تلاشش را زیاد کند. وقتی میرسیم به جایی که سخت است و نمیشود آنجا را کند، باید ضربه را قویتر وارد کنیم و قوت را بیشتر کنیم تا خداوند هم کمک کند. باید طلبگی کار کنیم؛ باید فقیرانه کار کنیم. نه این که پول نخواهید، نه اینکه امکانات نخواهید، نه اینکه دنبالش نروید، چرا، بروید، اما اگر نشد؛ ره چنان رو که رهروان رفتند. یعنی با همان کمبود و فقر.

غصه و درد کجاست؟!

شما حرکت را علی باب الله و متوکلا علی الله و قاصد لوجه الکریم ادامه دهید؛ تا ان شاء الله خدای متعال از شما قبول کند؛ که اگر قبول کرد، از همه ی این ها عظمتش بیشتر است؛ غصه و درد آنجاست که تلاشی بکنی، اما خدا آن را قبول نکند؛ به خاطر اینکه اخلاص ما در آن کم است. مخلصاً، موقتاً و متوکلاً علی الله راه بیافتید، خدای متعال ان شاء الله کمک خواهد کرد. هم کمک مادی و هم کمک غیر مادی.

حرکت شما باید برای قبول و رضای خدا باشد. عقاید ما باید قرص و محکم باشد و آن را با زبان مناسب بیان کنیم. نوشته های برآمده از اخلاص، انسان را تکان می دهد. برای جاری کردن روحیه اخلاص از دوران هشت سال جنگ باید استفاده کرد.

خط انقلاب را بدون هیچگونه ساییدگی در اهداف، با قاطعیت و قوت به سمت اهداف انقلاب ادامه دهیم باید خودمان را برای خدمت در هر جا و به هر گونه آماده کنیم.

من صندلی خاصی ندارم

من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم میگفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اتاقی شدم، بگویم: «آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود بروم آنجا بنشینم، و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم.» گفتن این مطالب شاید چندان آسان نباشد و ممکن است حمل بر چیزهای دیگر شود، اما واقعاً اعتقادم این است که برای انقلاب باید اینطوری باشیم. از پیش معین نکنیم که صندلی ما آنجاست و اگر دیدیم آن صندلی را به ما دادند خوشحال بشویم و برویم و بنشینیم و بگوئیم حق ما بود و اگر دیدیم آن صندلی نشد و یا گوشه اش ذره ای ساییده بود بگوئیم به ما ظلم

شد و قبول نداریم و قهر کنیم و بیرون برویم من از اول این روحیه را نداشتم و سعی نکردم اینطوری باشم. در مجموعه ی انقلاب تکلیف ما این است.

در جمهوری اسلامی هر جا که قرار گرفته اید ، همان جا را مرکز دنیا بدانید .

مثل نردبان

برای همیشه خودتان را آماده نگه دارید تا انقلاب به هر طریق که اقتضاء میکند، از شما استفاده کند. این یادگاری را با هم داشته باشیم. یک وقت، بهترین استفاده از یک انسان زنده و عاقل و با شعور این است که مثل نردبان بشود و یک نفر پایش را روی دوش او بگذارد تا دستش به جایی برسد که کاری انجام بدهد و چه اشکالی دارد؟ اگر مصلحت انقلاب و کشور اقتضاء میکند باید چنین کاری هم کرد.

من مطمئنم که جریان فرهنگی کشور با همه این ناسازگاری هایی که می شود ، از لابه لای این پیچ و خم های سخت عبور و رشد می کند .

انك كادح الي ربك كدحا

ای انسان یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی پس او را دیدار کن .

تفکرات و ذهن ها و مغزهای فعال و مبتکر و خوبی کاملاً مشاهده می شوند و اینها پیش خواهند رفت . دشمن انقلاب و دشمن اسلام نمی تواند از طریق فرهنگ ، کاری را که می خواهد بکند .

البته مشکلات فراوانی درست کرده اند و درست خواهند کرد ، شکی نیست ، اما ان شاء الله ایمان ها و همت های شما نخواهد گذاشت آنطور که آنها می خواهند ، پیش آید .

باید به تکامل بشری و انسانی برسیم و می توان با کار هنری به جایی رسید که با افلاکیان در مجاهدت بود . شما خدا را نصرت کنید ، خدا هم شما را نصرت می کند

هرچه بار سنگینتر و هرچه غم و غصه و دغدغه ی کار بیشتر، ارزش معنوی کار بالاتر و شاید تأثیر آن در روند عمومی تاریخ و تمدن معرفت بشری ، خصوصیاتى که در تقدیر صحیح عقلانی مورد احترام قرار می گیرد ، والاتر و بالاتر . از تهمت ها و اهانت ها نترسید .

بار خدا بر زمین نمی ماند ...

البته این نکته را هم به شما بگویم که اگر خدایی ناکرده همگیتان یک وقت بگوئید: «ما می‌خواهیم این کار و فعالیت و حضور را ببوسیم و کنار برویم.» عقیده ندارم که این میدان خالی خواهد ماند؛ نه. عقیده‌ی من این است که بار خدا، زمین نمی‌ماند.

بزرگترین افتخار این است که خدا ما را بنده خودش بداند و از ما بخواهد که این بار را برداریم